



مفهوم‌شناسی و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی از منظر بیدارگر اسلام؛ سید جمال‌الدین اسدآبادی

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی، همدان،
ایران

حسین مرادی مخلص* 

استادیار برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی،
دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی، همدان، ایران

مرتضی شاه مرادی 

چکیده

سید جمال‌الدین اسدآبادی متفکر و سیاستمداری است که آغازگر نواندیشی و بیداری در جهان اسلام بوده است که غالباً اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی ایشان مورد توجه محققان بوده است و دیدگاه‌های وی در عرصه تعلیم و تربیت مغفول مانده است. با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت و ضرورت تحول نظام آموزشی مسلمانان، مسئله و هدف پژوهش حاضر واکاوی مفهوم و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت از منظر سید جمال‌الدین اسدآبادی به‌عنوان یکی از مصلحان بیدارگر اسلامی است. (مسئله)؛ روش تحقیق پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت داده از نوع کیفی و از نوع تحلیل متنی است که جهت گردآوری داده‌ها از روش اسناد کاوی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کتب، مقالات و اسناد علمی مرتبط با سید جمال‌الدین اسدآبادی بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس مقالات و کتب مرتبط انتخاب شد و با ابزار فیش‌برداری، داده‌ها جمع‌آوری شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها این پژوهش در چهار مرحله توصیف، تحلیل، استنتاج و تبیین انجام پذیرفت. (روش)؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سید جمال‌الدین، تعلیم و تربیت را یکی از شیوه‌های مهم بیداری مسلمانان می‌دانست. از نظر وی، تعلیم و تربیت فرد از سه دیدگاه قابل بررسی است و معلم به‌عنوان الگوی کامل تربیتی نقش مهمی در فرایند تعلیم و تربیت دارد. مهم‌ترین تأکیدات و مؤلفه‌های تربیت از نظر سید جمال‌الدین شامل توجه به زبان مادری، آگاهی و بیداری، استعمار و استبداد نتیجه انحراف اخلاقی، جایگاه رفیع علم، بازسازی هویت اسلامی و گسترش علوم و فنون جدید می‌باشد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: انسان، بیداری اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، سید جمال‌الدین اسدآبادی

دریافت: ۱۴۰۱-۰۳-۲۶

* نویسنده مسئول moradimokhles@basu.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۱-۱۶

صفحات مقاله: ۳۳-۵۳

۱. مقدمه و بیان مسئله

گرایش به دین، همزاد و همراه با پیدایش انسان بوده، به گونه‌ای که هیچ سرزمین و قومی در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر، عاری از مظاهر دین و دین‌داری نبوده است و انسان برای کسب معرفت و رشد نهایی نیاز به تعلیم و تربیت با توجه به محورها و رهنمودهای دینی جامعه خود دارد (اعمالی و جعفری، ۱۴۰۰). تعلیم دینی همواره دو هدف اساسی را پیگیری می‌کند، هدف اول انسان‌سازی و هدف دوم تمدن‌سازی است که آن‌هم فضای رشد و تعالی انسان کامل را تأمین می‌کند (بهرامی پور، فرمینی فراهانی و سبحانی نژاد، ۱۳۹۹) که البته عوامل متعددی همچون نظام آموزشی، خانواده، رسانه‌ها و محیط اجتماعی و فرهنگی در درونی ساختن دین و تعلیم دینی، نقش دارند (عوض زاده، کریمی باغملک و رضایی، ۱۴۰۱).

تعلیم و تربیت علاوه بر آموزش علوم و فنون، انسان‌ها را برای مشارکت و تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی مهیا می‌سازد و هر جامعه‌ای اهداف خاص تربیتی خود را دارد (محمدی، ققیهی، رضایی و یعقوبی، ۱۴۰۰). تربیت نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی فرهنگ و تمدن بشری، همواره پیوندی انکارناپذیر با دین داشته است. از سوی دیگر یکی از جنبه‌های تربیت انسان، توجه به پرورش و تربیت دینی اوست. تربیت اگر بر اساس دین بنا شود و با اعتقاد و اخلاق مذهبی هم‌ریشه گردد، می‌تواند تربیتی جامع و کامل باشد و در سعادت دنیا و آخرت انسان مفید باشد (کاویانی، صدیقه و نوروزی، رضاعلی، ۱۳۹۸)؛ زیرا اسلام خلقت عالم را هدفمند می‌داند و هدف از آن نیز بهره‌مندی انسان است (حسینی زاده، ۱۳۹۹). در برخی از آیات قرآن نیز هدف نهایی خلقت انسان، عبودیت و تقرب الهی بیان شده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ که اهمیت تربیت و به‌خصوص تربیت دینی را بیان می‌کند. در واقع تربیت، فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادها و انسان در جهت مطلوب می‌باشد (رضایی، نوروزی و سپاهی، ۱۳۹۷).

مکاتب و نظریه‌های مختلف، از منظر و نگاهی خاص، انسان و تربیت وی را مورد توجه قرار داده‌اند و هریک از روش‌های تربیتی با اتکا به مبانی و اصول تربیتی ویژه خود، مسیر دستیابی به اهداف تربیتی را هموار می‌کنند (حسین خانی، ۱۴۰۱). تربیت در همه جامعه‌ای مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های آن جامعه می‌باشد. تربیت اسلامی نیز باید مبتنی بر ارزش‌ها و مبانی دینی

باشد. قرآن کریم، روایات و سیره طیبه رسول خدا و اهل بیت مطهرش صلوات ... علیهم اجمعین، محدثان، فقها، عرفا، حکما و علمای اخلاق و آثار ایشان، منابع تعلیم و تربیت اسلامی را تشکیل می دهند (محمدی، کریمی خویگانی و محمودی، ۱۴۰۰). از طرفی چون تعلیم و تربیت به عنوان جریانی فراگیر در جوامع مختلف، همواره مورد توجه متفکران و اندیشمندان بوده است و هر کدام از این اندیشمندان نظریاتی درباره تعلیم و تربیت مطرح کرده اند. تفکران تعلیم و تربیت اسلامی در بیانات و اندیشه های خود، اهداف، اصول و ویژگی های متعددی رایان کرده اند که بیانگر دیدگاه تربیتی این متفکران می باشد (حسینی زاده، ۱۳۹۹) راز اسلام می شدن این است که تمامی عناصر نظام آموزشی، همسو و هم جهت با ارزش ها و ایده های اسلامی باشند (میرزا محمدی و فرمینی فراهانی، ۱۳۹۹) و نظریه پردازی در تعلیم و تربیت و برنامه درسی امری وابسته به بافت و زمینه های فرهنگی، اجتماعی، دینی و سیاسی هر جامعه ای است و نمی توان بدون توجه به مبانی و بسترهای دینی، نظریه ها و تأکیدات تربیت را در جامعه دیگر به همان شکل اجرا کرد (شاه جهان، استرا، سورلا و اوارد ۲، ۲۰۲۱). تفاوت عمده نظریه های برنامه درسی به مبانی برنامه درسی و دیدگاه های اندیشمندان مربوط می شود. برنامه درسی پویا و مطلوب چه در حوزه نظریه پردازی و چه در عرصه عمل باید منطبق با مبانی، اصول، اهداف و شرایط جامعه و محیط اطراف باشد (عزیز و کارتواگریان ۳، ۲۰۲۰). اندیشمندان و متفکران اسلامی از صدر اسلام تاکنون دیدگاه ها و تأکیدات ارزشمند فراوانی در زمینه های مختلف تربیتی، سیاسی و اجتماعی بیان کرده اند که این دیدگاه ها می توانند در طراحی و تدوین نظام تربیتی مفید باشد. در این میان سید جمال الدین اسدآبادی یکی از متفکران و اندیشمندان تأثیرگذار جهان اسلام است که اندیشه ها و مبارزات سیاسی ایشان منشأ تحولات بسیاری بوده است.

سید جمال الدین از جمله مهم ترین شخصیت های سده سیزدهم هجری است که آثار و اندیشه های وی به شدت مورد توجه شخصیت های بارز علمی و سیاسی بوده است. سید جمال در اوج قدرت انگلیس استعمار را به لرزه انداخته بود و آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در بیانات خود در سال ۱۳۶۹ از تأثیر سید جمال در بیداری وجدان دینی مردم سخن گفته اند: " هر جا که احساس وجدان دینی در مردم بیدار بود، نقشه های استعمار با مانع مواجه می شد. یک نمونه

-
- 1 curriculum
 - 2 Shahjahan, Estera, Surla & Edwards
 - 3 Aziz & Kartowagiran

ماجرای تنباکو در ایران بود، یک نمونه نهضت مشروعیّت در آغاز کار در ایران بود. یک نمونه برخورد افغانی‌های مسلمان با انگلیسی‌ها در قرن نوزدهم بود یک نمونه حرکت سید جلال در مصر بود که انگلیسی‌ها را لرزاند" (حدیث ولایت، ۱۳۸۶).

یکی از جنبه‌های مکوم زندگی سید جمال‌الدین، مکب تربیتی و اخلاقی ایشان است. سید افزون بر آنکه در حوزه‌های علمیه قزوین، بروجرد و تهران و نجف به تحصیل علوم دینی پرداخته، در نجف اشرف، به مدت چهار سال ضمن استفاده از درس فقه شیخ انصاری، در درس اخلاق و عرفان میرزا حسینیقلی درجینی همدانی حاضر می‌شده است. به نظر می‌رسد با تأثیرپذیری از همین مکب اخلاقی و تربیتی بوده است که سید دستورالعملی اخلاقی برای یاران خویش صادر می‌کرده است (محلّاتی غروی، ۱۳۹۶). سید جمال‌الدین با توجه به اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود، سعی نمود تا راه سومی را از بین دو راه سنت‌گرایان سلفی و نوگرایان غرب‌گرا به‌سوی عصر جدید بگشاید. سید جمال تلاش کرد تا با مرجعیت دین، یک نسخه اسلامی از تجدد تدوین و برای جوامع مسلمان ارائه نماید. ابتکار اصلی سید جمال در این راه، تفکیک بین مفهوم «دین» و «سنت» از سویی و تمایز میان مفهوم «فرهنگ» و «علوم و فنّآوری» غربی از سوی دیگر بود (صدر، ۱۴۰۰). سید جمال را بایستی نخستین اندیشمند جهان اسلام دانست که از اسطوره استعمار و لزوم مبارز آگاهانه با آن سخن گفت (علی صوفی و زارعی مهرورز، ۱۳۹۱).

از ابتدای قرن نوزده و در نتیجه خاتمه یافتن جنگ‌های طولانی مدت در اروپا، انگلستان و روسیه فرصت مناسبی برای دخالت در کشورهای مسلمان از جمله ایران پیدا کردند. اغلب سرزمین‌های اسلامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت استعمار کشورهای اروپایی قرار گرفته بودند و جوامع اسلامی در همین دوره با مدرنیته غرب نیز آشنا شدند (اصدق پور، ۱۳۹۶). به دنبال رویارویی کشورهای اسلامی با غرب مدرن، گفتمانی در میان روشنفکران و اندیشمندان اسلامی ظهور یافت که خط سیر آن را می‌توان در اندیشه‌های متفکرانی نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، آیت‌الله نائینی، علامه محمد اقبال لاهوری و بسیاری دیگر از متفکران اسلامی ردیابی نمود (نوازی، ۱۳۸۸: ۱). سید جمال‌الدین یکی از این دگراندیشان بود که با توجه به شناختی که از جوامع اروپایی و کشورهای اسلامی داشت به علت‌یابی و آسیب‌شناسی استعمار زدگی و عقب‌ماندگی پرداخت او در این راستا ضعف گفتمان آموزشی حاکم بر جهان اسلام را

1. Modernity

به‌عنوان یکی از اصولی‌ترین عوامل عنوان می‌کرد و بر آن خرده می‌گرفت (بوچانی و فرهادی، ۱۳۹۴). سید جمال‌الدین اندیشه‌گر تربیتی نبود، اما مانند بسیاری از اندیشه‌گران آن روزگار، ضمن بحث از مسائل اجتماعی و فلسفی و سیاسی، به مسائل تعلیم و تربیت نیز پرداخته است.

سید جمال‌الدین اسدآبادی از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی مرد بزرگی بود که قدرت کلام بالا داشت (یوسفی، ۱۳۹۰). دیدگاه ایشان برای برون‌رفت از انحطاط جوامع اسلامی، حضور مؤثر آموزه‌های قرآنی در تمام شئون اجتماعی و بازگشت به قرآن بود و با این رویکرد اصول زندگی سعادت‌مند دنیوی و اخروی بشر را از قرآن استنباط کرد. آرمان‌نهایی و اصلاحی سید جمال تشکیل جامعه اسلامی بود که وحدت بر آن حاکم باشد (علی صوفی و زارعی مهرورز، ۱۳۹۱). سید جمال‌الدین در میان راهکارهای سیاسی و اجتماعی که برای حل مشکلات جهان اسلام بیان می‌کند، برای نهاد تعلیم و تربیت ۱ نیز نقش محوری قائل است. در ضمن ایشان مخالفتی با بهره‌برداری از خدمات علمی و فناوریانه غرب ندارد و از نظر وی این موضوع هیچ منافاتی با سنت و سیره اسلامی ندارد (اصدق پور، ۱۳۹۶). می‌توان سید جمال‌الدین اسدآبادی را بنیان‌گذار و مدافع جریانی دانست که هدفش برقراری هماهنگی میان مذهب و محیط‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بود. ایشان اسلام را جامع‌ترین مکتب برای پاسخگویی به همه مسائل بشری می‌دانست (فرخان و ملکوتیان، ۱۴۰۰).

با توجه به اهمیت مقوله تعلیم و تربیت و به‌خصوص تعلیم و تربیت برگرفته از مبانی دینی و بومی در شد و توسعه جامعه و لزوم شناخت و تبیین آرای اندیشمندان مسلمان که تلاش‌های فراوانی برای ترقی جامعه داشته‌اند و همچنین با نظر به اینکه پژوهش‌های صورت گرفته، غالباً در حوزه اندیشه سیاسی و اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی انجام شده و کمتر پژوهشی با نگاهی جامع و مراجعه به نوشته‌های سید جمال‌الدین در زمان حیات وی، به تبیین دیدگاه‌های تربیتی سید جمال‌الدین پرداخته است، مسئله پژوهش حاضر بررسی و تبیین آراء تربیتی سید جمال‌الدین اسدآبادی به‌عنوان چهره برجسته بیداری اسلامی، بیدارگر مشرق زمین و احیاکننده اسلام نبوی است و بر همین اساس سؤال پژوهش حاضر این است که مفهوم و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی از منظر سید جمال‌الدین اسدآبادی چیست؟ به بیانی پژوهش به دنبال پاسخ دادن به سؤالات زیر است:

1. Education

انسان از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی

تعلیم و تربیت از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی

مؤلفه‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی

۲. روش شناسی

روش تحقیق پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت داده از نوع کیفی و از نوع تحلیل متنی می‌باشد که جهت گردآوری داده‌ها از روش اسناد کاوی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کتب، مقالات و اسناد علمی مرتبط با سید جمال‌الدین اسدآبادی بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس مقالات و کتب مرتبط انتخاب شد و با ابزار فیش‌برداری داده‌ها جمع‌آوری شد و نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها این پژوهش در چهار مرحله توصیف، تحلیل، استنتاج و تبیین انجام پذیرفت. در این روش، مفاهیم به هدف دستیابی به عناصر معنایی یک مفهوم، روابط میان این عناصر و روابط میان کل یک مفهوم با سایر مفاهیم مرتبط با آن، مورد تحلیل قرار می‌گیرند (لطیفی، پارسانیا، داوودی، ۱۳۹۲). بر این اساس در این پژوهش به بررسی آرای تربیتی سید جمال‌الدین در آیینۀ اندیشمندان پرداخته می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل کتب، مقالات و اسناد علمی مرتبط با سید جمال‌الدین اسدآبادی بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس مقالات و کتب مرتبط انتخاب شد و با ابزار فیش‌برداری داده‌ها جمع‌آوری شد و با روش تفسیر و تحلیل مفهومی تحلیل شدند. از آنجایی که دو مفهوم انسان و تعلیم و تربیت از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی مبنای پژوهش حاضر و فهم اندیشه‌های سید جمال‌الدین را شکل می‌دهد به بررسی این دو مفهوم پرداخته می‌شود. در نهایت تأکیدات و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت از منظر سید جمال‌الدین اسدآبادی بر اساس مقالات، کتب و آثار به‌جامانده از ایشان و همچنین آثاری که به بررسی دیدگاه ایشان پرداخته است و به‌صورت تحلیل متنی مورد تشریح واقع می‌شود.

۳. یافته‌ها

انسان از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی

سید با توجه به وضعیت‌های گوناگون زمان خویش و به مناسبت‌های متفاوت بحث انسان‌شناسی را مطرح کرده است. سید جمال عیب بزرگ جامعه اسلامی را در نامسلمانی مسلمین دانسته و علل عقب‌افتادگی آن را بر محوریت سه اصل؛ جهل، استبداد و غرب‌گرایی تشخیص کرده است. بدین خاطر سید نادانی و جهل را خطرناک‌ترین و مناسب‌ترین بستر برای استبداد داخلی

دانسته است. سید جمال به این باور بود که سقوط جوامع اسلامی از شکوفایی اولیه خود ناشی از ترک اصول اساسی اسلام است که با گذشت زمان انباری از بدعت‌ها و خرافات وارد دین شده به جامعه پیشکش شد (تابش نور ۱، ۲۰۱۹). سید جمال سه خصلت "حیا"، "امانت" و "صداقت" را ثمره دین در ایجاد سه اعتقاد و سه خصلت در انسان می‌داند که مکاخ "مسدس الشكل" سعادت انسانی را بنا می‌کند (صدر، ۱۴۰۰).

سید جمال الدین به نفس پاک اعتقاد دارد و قابلیت فضل و کمال را در انسان در حد اعلی و نامتناهی می‌داند. وی بر این باور تأکید می‌کند کسانی که ذات منحرفی دارند، به هیچ وسیله، حتی به مدد تربیت نیز درست نمی‌شوند (قاسمی پویا، ۱۳۸۳). تفکر غالب در فکر سید در مورد انسان این است که طفل در بدو تولد لوحی است ساده و این اطرافیان و به‌طور کلی اجتماع است که بر لوح، نقش‌های گوناگون می‌زنند. به نظر وی، انسان وقتی به دنیا می‌آید از همه حیوانات پست‌تر و عاجزتر و نادان‌تر است. برخلاف حیوانات که به لحاظ فطرتشان جمیع مضار و منافع خویش را می‌شناسند و نیازی به معلم ندارند، انسان چون پا بر این عالم می‌نهد، لوحی است ساده و کتابی است نانوشته، زهر از تریاق تمیز نمی‌دهد و قریب را از بعید فرق نمی‌کند (اسدآبادی، ۱۳۵۸). در مقاله طفل رضیع، خطاب به کودک شیرخواره می‌گوید: "ای بیچاره کودک، چه قدر نفس پاکی داری... که هیچ آلودگی و خبائتی در نفس تو نیست و هیچ اعوجاج و کجی در عقل تو یافت نمی‌شود. تو را قابلیت هر فضیلتی و کمالی است و عقل ترا قوای نامتناهی است، باید دید که بخت تو با تو چه کند و ارقاب و معاشرین تو در آن لوح ساده چه نقش زنند و چه صورتی رسم نمایند و تو را بچه شکل در آورند" (قاسمی پویا، ۱۳۸۳).

با مروری در آثار سید جمال، می‌توان قرابت اندیشه او را با رویکرد فردگرایی مشاهده کرد؛ در نظر وی جامعه مجموعه‌ای از افراد است که ویژگی‌های خود را از خصوصیات افرادش اخذ می‌کند. در این نحوه تلقی از جامعه، اهمیت فوق‌العاده‌ای به افراد جامعه (به‌ویژه نخبگان) و افکار و اعتقادات داده می‌شود (اسماعیل نیا، ۱۳۷۶). سید جمال سعادت یا انحطاط جوامع را تا حد زیادی معلول شایستگی یا عدم کفایت نخبگان آن جوامع می‌داند. ایشان با تأکید بر اولویت نقش عوامل فرهنگی و اهمیت نخبگان و تقدم تغییر افراد بر تغییر جامعه، دگرگونی‌های اجتماعی گذشته و حال را تحلیل می‌کند. از سوی دیگر سید جمال تغییر افراد را مقدم بر تغییر جامعه دانسته و برای مثال استدلال می‌کند که اندیشه‌های مادی و طبیعی ابتداءً فاسدشدن اخلاقیات

اجتماعی شده و سپس با متزلزل کردن اعتقادات حقیقی مردم، سبب ضعف ملت و ازین رفتن عزت و سیادت آن می‌شود یوسفی (۱۳۸۵).

تعلیم و تربیت از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی

سید جمال به دو نوع تربیت دینی و تربیت فلسفی قائل است. وی معتقد است که در تربیت باید به دو مقوله علم و آرمان توجه جدی داشت. ایشان در مقوله تعلیم و تربیت، به جایگاه راهنمایان جامعه، سخنگویان و خطیبان، نویسندگان، مؤلفان و ارباب مطبوعات نگاه ویژه‌ای دارد. (مرادی مخلص، ۱۳۹۹). سید جمال‌الدین به جایگاه راهنمایان جامعه و سخنگویان و خطیبان اهمیت می‌دهد و به نویسندگان، مؤلفان و مطبوعات نگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که در مقاله‌ای به صراحت ارزش مطبوعات را یادآور می‌شود. وی تاریخ ملت‌ها و آشنایی با راز پیشرفت آن‌ها را یادآوری می‌کند و می‌گوید: «چنانکه بدن دارای بیماری است، روح هم بیماری‌هایی دارد، از این جهت علوم تربیتی و تهذیب نفس برای فضائل می‌باشد و اگر علوم تربیتی از روش پرورشی خود منحرف شود، به سوی نقص و کجی خواهد رفت.» (مهدوی، ۱۳۹۲). سید جمال‌الدین در راه علت‌شناسی استعمارگری و عقب‌ماندگی، ضعف‌گفتمان آموزشی را به عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل شناسایی کرد و به تفکر حاکم بر نظام آموزشی سستی به چشم انتقاد نگریست و به محتوای آموزشی کاربردی و اهداف تربیتی مطلوب اشاره می‌کرد (بوچانی و فرهادی، ۱۳۹۴).

سید جمال‌الدین کودک را پاک و عاری از هر گونه پلیدی می‌داند که قابلیت هر نوع تربیت را داراست و معتقد است تربیت فرایندی است که طی آن همه فضایل و آداب از طریق خانواده و نزدیکان به فرد می‌رسد و در وی نهادینه می‌شود و در غیر این صورت، فرد به دوراز خصایص انسانی در ورطه صفات حیوانی غوطه‌ور می‌شود. از نظر وی تربیت عبارت است از مجادله و مقاومت با طبیعت و تربیت اگر نیک بوده باشد، طبیعت را از نقص به کمال می‌رساند (اسدآبادی، ۱۳۵۸). بنا بر عقیده سید جمال‌الدین، تعلیم و تربیت فرد ممکن است از سه دیدگاه مورد توجه قرار گیرد. یکی آنکه در تربیت او منافع ملت در درجه اول و منافع فرد تابعی از آن باشد؛ دیگر آنکه تعلیم و تربیت بر منافع فرد استوار باشد و سومین شکل تعلیم و تربیت آن است که به کلی منافع بیگانگان منظور باشد. در تربیت افراد، باید به نوع اول توجه داشت سید جمال‌الدین در تجزیه و تحلیل این سه نوع تربیت، تربیت نخست را مفید و ضروری و آن را موجب

اتحاد دینی و انسجام اجتماعی و تربیت نوع دوم را منافی اتحاد دینی و انسجام اجتماعی و تربیت نوع سوم را بدترین و مضرترین تربیت برای جامعه می‌داند (مرادی مخلص، ۱۳۹۹).

سیدجمال در این زمینه خاطر نشان می‌سازد که "اگر قومی از اقوام به تربیت حسنه تربیت شوند جمع طبقات و اصناف آن برحسب قانون تناسب طبیعی به یک‌بارگی متفقاً بالنده شده، روی به ترقی می‌آورند. هر صنفی و طبقه در آن قوم برحسب پایه مرتبت خویش در اکتساب کمالاتی که او را درخور است سعی می‌نماید و آن کمالات را استحصال می‌کند و همیشه اصناف آن قوم برحسب مراتب خود با یکدیگر در تکافو و توازن و تعادل خواهند بود و به سبب حسن تربیت، سلاطین، عظیم‌الشان در آن قوم یافت خواهند شد و اگر آن قوم به سبب حسن تربیت به درجه‌ای برسند که سلاطین آن‌ها از سلاطین سایر اقوام ممتاز گردند، به یقین باید دانست که جمع طبقات آن نیز از جمع اصناف اقوام ممتاز خواهند بود چون که کمال ترقی هر صنفی مربوط است به ترقی سایر اصناف" (اسدآبادی، ۱۳۵۸: ۹۸).

سید جمال‌الدین پیرو اهمیت و تربیت در میان گروه‌های مختلف جامعه، به نقش الگویی علما و حکما می‌پردازد و این‌گونه بیان می‌کند که اگر فساد و ضعف در این طبقه رخ نه کند، این ضعف و فساد به سایر طبقات و اصناف و گروه‌های دیگر راه می‌یابد. در نتیجه فساد و تباهی در جامعه فراگیر می‌شود و زمینه نابودی آن جامعه فراهم می‌گردد (بوچانی و فراهادی، ۱۳۹۴). بنا بر عقیده سید جمال‌الدین، خانواده در تربیت و پرورش کودک نقش مؤثری دارد و چون طفل در ابتدا لوح ساده‌ای دارد، پس آمادگی هر نوع تربیت را دارد و تربیت طفل با اخلاق و خصایص پدر و مادر و خویشاوندان رابطه مستقیم دارد. اگر اعضای خانواده دارای اخلاق فاضله باشند این صفات را به مرور در کودک درونی می‌کنند و کودک تحت این تربیت انسان می‌شود. بدین ترتیب وی معتقد است که اخلاق و رفتار اولیا، متأثر از اخلاق اجتماعی است و علما و پیشوایان، زمینه‌ساز و ارائه‌دهنده الگوهای اخلاقی و اجتماعی‌اند (مرادی مخلص، ۱۳۹۹).

مؤلفه‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی

قبل از تحلیل و بررسی مؤلفه‌های تعلیم و تربیت از منظر سید جمال‌الدین باید به آن نکته اشاره شود که رویکرد پژوهشگران اجتهادی بوده ولی این رویکرد با آنچه که توسط پیامبر اکرم (ص) انجام می‌داده متفاوت است زیرا که پیامبر اسلام (ص) علاوه بر مقام رسالت و ابلاغ احکام و تکالیف الهی به مردم، در زمینه‌هایی حق تشریح نیز داشته و بدیهی است که تشریح پیامبر در عرض تشریح پروردگار نبوده است، بلکه در طول آن بوده و از ناحیه خداوند این حق به او تفویض

شده بود و اگر در مواردی گفته می‌شود که حکمی تنها حکم خدا و حق تشریح از آن او است و هیچ‌کس دیگری - حتی پیامبر - حق تشریح ندارد، مقصود این است که حق تشریح اولاً و بالذات از آن خداست و هیچ‌کس در عرض پروردگار توان تشریح ندارد و البته این مطلب با تفویض این حق از سوی خداوند به پیامبرش منافات و تناقض نخواهد داشت. به بیانی دیگر همان‌طور که گروهی از علمای مذاهب اهل سنت معتقدند، اصل اجتهاد از راه رأی و تفکر شخصی و عمل بر طبق آن برای رسول خدا (در جمیع ابعاد زندگی و آنچه با آن‌ها مرتبط است)، جایز است و از نظر عقل و شرع آن حضرت در این زمینه معنی ندارد (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶).

سید جمال به نقش معلم جایگاه و اهمیت خاصی قائل می‌شود. از نظر ایشان معلم بایستی جمیع حدود عالم انسانی را رعایت کرده باشد نه آنکه کارهای مخالف قانون انسانیت از او سر بزند و در بحث اهمیت و ویژگی‌های معلم مثال پزشک را می‌آورد و معلم را طیب به نفوس و روح می‌نامد و نتیجه می‌گیرد اگر معلم شناختی از کودکان نداشته باشد و راه تربیت را نداند، نخواهد توانست به درستی کودک را تربیت کند. از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی معلم باید دارای ویژگی‌هایی همچون آگاهی از روانشناسی و علوم تربیتی، آشنایی با علل بیماری، آشنایی با تاریخ و علل پیشرفت جوامع و همچنین ویژگی نصیحت‌گری و آگاه‌سازی باشد (مرادی مخلص، ۱۳۹۹). همچنین از نظر سید جمال‌الدین محتوای آموزشی و اهداف تعلیم و تربیت باید مبتنی با میراث نبوت و ارزشمند تلقی کردن علم باشد. وی به اهمیت علوم دینی و فلسفه در برنامه درسی تأکید می‌کند. آراء تربیتی آرا و اهداف تربیتی سید جمال ارتباط نزدیکی با نظرات سیاسی او دارند اهداف تربیتی در اندیشه‌های آموزشی او به گونه‌ای در خدمت با استبداد و استعمارستیزی و همگرایی در جهان اسلام طراحی شده است (بوچانی و فرهادی، ۱۳۹۴)؛ که در ادامه به بررسی مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

بیداری و خودآگاهی: یکی از تأکیدات سیاسی تربیتی سید جمال، مفهوم بیداری و خودآگاهی است. بررسی دیدگاه‌ها و همچنین اقدامات عملی و مبارزاتی سید جمال نیز بیانگر اهمیت مقوله آگاهی و بیداری و خودآگاهی در اندیشه‌های سید جمال دارد (مدد پور، ۱۳۸۶). این مفهوم از موارد کلید و مورد تأکید بسیاری از اندیشمندان دینی و نظریه‌های برنامه درسی است. فریر ۱ با طرح مباحثی چون آموزش ستم‌دیدگان، سواد اجتماعی، رشد آگاهی‌های

اجتماعی، کشف مصادیق سلطه نظام سرمایه‌داری و فهم راز و رمز پنهان نظام برنامه‌ریزی درسی بر نقش مهم آگاهی و آگاهی بخشی در نظام تعلیم و تربیت تأکید دارد (یوسف زاده، ۱۳۹۶).

تأکید بر اهمیت زبان مادری: سید جمال‌الدین تأکید داشت که جوانان هندی تمام آثار را به زبان خود ترجمه کنند. بر این اساس می‌توان گفت یکی از اندیشه‌های که بعدها مورد توجه میرزا حسن رشديه قرار گرفت مسئله آموزش به زبان مادری بود؛ تدوین کتابی به اسم «وطن ذیلی» [زبان مادری] در الفبای ترکی برای اطفال و ملاحظه برنامه مدرسی که رشديه در تبریز و تهران تأسیس کرد، گویای این مطلب است؛ و تأکید بر آموزش به زبان مادری از سوی سید جمال‌الدین اسدآبادی نشان از درک درست او از نیازهای نظام آموزشی دارد (بوچانی و فرهادی، ۱۳۹۴). زبان از جمله مباحث اساسی در تعلیم و تربیت است؛ اینکه انسان چگونه دانسته‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارد و نیز چگونه اطلاعات و دانش مورد نیاز خود را از دیگران دریابد. مشخص کردن زبان مورداستفاده برای تدریس به دانش آموزان همواره از مهم‌ترین مسائلی است که نظام آموزشی می‌بایست درباره آن تصمیم‌گیری کند. زبان مادری نخستین زبانی است که انسان آن را برای برقراری ارتباط فراگرفته و از بدو تولد آن را آموزش می‌یابد و کمی بعد به کار می‌گیرد. لذا زبان مادری در بحث آموزش و یادگیری نقش حائز اهمیتی داشته و دارد و توجه به آن می‌تواند پیشرفت چشم‌گیری در بالا بردن دانش آموزان تحصیلی داشته باشد (آرین‌نیا، ۱۳۸۹). وی مسلمانان هند را وادار می‌کرد تا در مقابل بریتانیا بایستند و فرهنگ و زبان و ملیت خود را نجات بخشند. فراگیری زبان انگلیسی از سوی هندیان هم از نظر سید جمال‌الدین ضروری بود. از نظر وی آشنایی به زبان انگلیسی به منظور برقراری ارتباط با دیگران، احقاق حقوق خود، فراگیری علوم و فنون و معارف جدید، آگاهی نسبت به ارزش‌های فرهنگی سایر ملل و جوامع برقراری روابط اقتصادی و در نهایت مطالعه و مرور تاریخ ملت‌ها و دولت‌ها به منظور شناخت و آگاهی از وضعیت سایر مردم و درس گرفتن از شرایط (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶).

جایگاه رفیع علم: سید جمال‌الدین در مقام علم و سیر تاریخی آن این چنین بیان داشته است: سلطان عالم علم است و به غیر علم نه پادشاهی بوده و نه هست و نه خواهد بود، این پادشاه حقیقی که علم بوده باشد هر وقتی پایتخت خود را تغییر داده است گاهی از مشرق به مغرب رفته و گاهی از غرب به شرق رفته است. به نظر وی: تمدن‌های بزرگ و اقوام موفق به مدد علم توانستند برتری جویند. در این نگاه مراد از علم تنها علم تجربی پوزیتیویست نیست و انواع علم و

به‌خصوص علم تفسیری و تحلیلی و علوم انسانی نیز مدنظر می‌باشد. اگر به هر نوع غنا و ثروت عالم نظر کنیم خواهیم دانست که غنا و ثروت نتیجه تجارت و صناعت و زراعت است و زراعت حاصل نمی‌شود مگر به علم فلاح و شیمی نباتات و هندسه و صناعت حاصل نمی‌شود مگر به علم فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی و هندسه و حساب و تجارت مبنی بر صناعت و زراعت است. پس معلوم شد که جمیع ثروت و غنا نتیجه علم است و جمیع عالم انسانی، عالم صناعی است، یعنی علم است و اگر علم از عالم انسانی برآورده شود دیگر انسانی در عالم باقی نمی‌ماند (اسدآبادی، ۱۳۵۸: ۸۹-۹۰). وی پس از بیان اهمیت و جایگاه علم با نگرشی نظام‌مند به طبقه‌بندی علوم و ارتباط آن می‌پردازد. سید جمال فلسفه و حکمت را روح کلی جمیع علوم می‌داند که موجب نگهداری و سبب ترقی هر یک از علوم می‌شود و وجود روح فلسفی در یک جامعه، موجب حصول و پیشرفت علوم می‌گردد. منظور وی از علم فقط علوم انسانی با علوم قدیمه نیست بلکه تأکید او همچنین بر علومی است که نتیجه آن دستاوردهای تمدن جدید است (قاسمی پوریا، ۱۳۸۳: ۴۴۴). وی تقسیم علم به علم مسلمانان و علم فرنگ را منع و مسلمانان را به فراگیری علوم و فنون جدید دعوت و تشویق می‌کند. از نظرایشان: علم آن چیز شریفی است که به هیچ طایفه نسبت داده نمی‌شود و به چیز دیگری شناخته نمی‌شود بلکه هر چه شناخته می‌شود به علم شناخته می‌شود و هر طایفه‌ای که معروف می‌گردد به علم معروف می‌گردد. انسان‌ها را باید به علم نسبت داد نه علم را به انسان‌ها (اسدآبادی، ۱۳۵۸: ۹۵). سید جمال الدین دیانت اسلامی را نزدیک‌ترین دین‌ها به علوم و معارف معرفی کرده و افرادی را که مانع کسب علوم و معارف جدید می‌شوند، دشمن دیانت اسلامی برمی‌شمارد. از ویژگی‌های ممتاز سید جمال الدین این بود که برخلاف منفی‌گرایانه تعصب‌آلود، سخت‌بر این اندیشه بود که مسلمانان قویاً به علوم فنون و صنعت و دستاوردهای مثبت تمدن جدید نیازمندند و باید از طریق آشنایی و فراگیری مبانی این علوم و انتقال تجربه‌های علمی نوین به جهان اسلام، تمدن جدید اسلامی را در ادامه سده‌های نخستین بنیاد نهند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۹۶). سید جمال الدین خواهان فراگیری علوم و فنون جدید به‌وسیله مسلمانان بود و یکی از راه‌های انتقال این علوم را در ترجمه کتب و آثار علمی غربیان به زبان‌های بومی مسلمانان هر منطقه می‌دانست و معتقد بود باید با ترجمه آن به زبان‌های بومی، راه بومی شدن این علوم و متمدن شدن را هموار کرد.

استعمار و استبداد نتیجه انحراف اخلاقی: سید جمال الدین، استبدادگری و استبداد پذیری را ناشی از انحراف اخلاقی معرفی می‌نماید. سید استبداد را یک بیماری می‌داند که اخلاق را فاسد

می گرداند: «بدیهی است استبداد اخلاق را نخست ضعیف و سپس فاسد می سازد. بسا به جایی می رسد که فرزند عزیز دلبنده خود را به اندک خلافی چشم برمی کند. گمان می کنید که این استبداد فقط در سلطان چنین کارها کند، بلکه در هر فردی از افراد که یافت شود، دارای اخلاق فاسده می گردد...» نگاه سید جمال به پدیده استبداد به عنوان یک انحراف اخلاقی بعدها مورد توجه متفکرانی مانند عبدالرحمان کواکبی قرار گرفت. کواکبی در کتاب «طبايع الاستبداد»، استبداد را بیماری می داند که همه جنبه های حیات انسان را فاسد می کند. او تأثیر استبداد بر اخلاق و تربیت را خطرناک تر از جنبه های سیاسی و اجتماعی آن می داند (صاحبی، ۱۳۹۷). در این شرایط است که به دلیل حساسیت شرایط سیاسی و اجتماعی، پایبندی به اخلاق و ارزش های اخلاقی می تواند بصیرت و بینش افراد را بهبود بخشیده و به انسان ها در شناخت مسیر صحیح از نادرست کمک کند.

بازسازی هویت اسلامی: مبانی بازسازی اسلام در اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی را می توان مشتمل بر خردگرایی، خرافه زدایی، غبارروبی و پیرایش گری، پرهیز از تک نگرایی و اجتهاد مستمر دانست (فراستخواه، ۱۳۷۷:۱۶۸). وی در برابر تحولات نوین، تفسیر جدیدی از اسلام را ارائه نمود و معتقد بود «دیانت اسلامیه هیچ گونه منافات و مغایرتی با مدنیت و ترقیات دنیویه ندارد». سید جمال الدین بر لزوم رفتار مبتنی بر عقل و پذیرش عقاید منطقی تأکید می ورزید و می پنداشت که اگر جامعه ایده های اسلامی را بپذیرد و متحد باشد، می تواند بار دیگر به تعالی برسد. به نظر سید جمال الدین، دین، اساس مدنیت و پایه عمران است و عقیده، مسلمانان را متحد می کند و قرآن، آنان را به هم پیوند می دهد و چنین وحدتی خواستگاه قدرت است. از این رو، سید جمال الدین، دین را اساس قدرت و مدنیت مسلمانان دانست و ریشه ها و مبانی عقلانیت روشنگری را درون دیانت اسلامی جست و جو نمود (توانا، ۱۳۸۵:۱۱۱).

گسترش علوم و فنون جدید: به عقیده سید جمال یکی از علل پیشرفت غرب گسترش علوم و فنون جدید بوده، بنابراین مسلمانان هم برای توانمندی و نیل به پیشرفت، باید این علوم و فنون را فراگیرند. وی هیچ گونه تضادی میان اسلام و علم قائل نبود و باور داشت که «نزدیک ترین دین ها به علوم و معارف، دیانت اسلامی است و هیچ منافاتی در میانه علوم و معارف. با اساس های دیانت اسلامیه نیست (اسدآبادی، ۱۳۵۸)». علم در بخش های مختلف زندگی انسان از روانشناسی تا جامعه شناسی گرفته تا پزشکی و نجوم و فناوری های نوین هسته ای، کاربرد داشته و نباید در دسترسی و کشف علم مرزبندی و محدودیتی قائل شد. از همین رو بود که با تقسیم علم به اسلامی

و غیر اسلامی مخالف بود و می‌گفت: «علمای ما در این زمان علم را بر دو قسم کرده‌اند یکی را می‌گویند علم مسلمانان و یکی را می‌گویند علم فرنگ و از این جهت منع می‌کنند دیگران را از تعلیم بعضی از علوم نابغه؛ و این را درک نکردند که علم آن چیز شریفی است که به هیچ طایفه نسبت داده نمی‌شود و به چیزی دیگر شناخته نمی‌شود، بلکه هر چه شناخته می‌شود به علم شناخته می‌شود و هر طایفه‌ای به علم معروف می‌گردد (عرفان منش و جمشیدی‌ها، ۱۳۹۴). انسان‌ها را باید به علم نسبت داد نه علم را به انسان‌ها. چه بسیار تعجب است که مسلمانان آن علمی را که به ارسطو منسوب است آن را به‌غایت رغبت می‌خوانند گویا که ارسطو یکی از اراکین مسلمانان بوده است و اما اگر سخنی به کلیلو (گاليله) و نیوتن و کپلر نسبت داده شود آن را کفر می‌انگارند. پدر و مادر علم برهان است و دلیل، نه ارسطو و نه کلیلو (گاليله)، حق در آنجاست که برهان در آنجا بوده باشد». البته سید جمال بر این نکته هم تأکید داشت که اخذ علوم و فنون عربی، باید پس از تحکیم مبانی اعتقادی و ایمانی مسلمانان باشد و همان‌طور که «مسلمانان صدر اسلام تنها هنگامی به فراگرفتن طب بقراط و جالینوس و هندسه اقلیدس و نجوم بطلمیوس و فلسفه افلاطون و ارسطو همت گماشتند که پایه‌های ایمان خود را استوار کردند، مسلمانان امروزی نیز تنها زمانی باید به فرهنگ و تمدن اروپایی روی آورند که دین خویش را به وجه درست آن بازگردانند.» (اسماعیل نیا، ۱۳۷۶: ۱۹۷).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

جنبش فکری و سیاسی سید جمال بسیار منحصر به فرد و متفاوت از سایر پژوهشگران است. جنبش وی در چارچوب شعار بازگشت به قرآن و سنت به‌عنوان پاسخی به امپریالیسم غرب در جهان اسلام انجام شد. سید جمال مسلمانان را به اتحاد در اسلامی تشویق می‌کرد (اریسی، ۲۰۲۰). عصر بیداری اسلامی، عصر بازگشت به هویت اسلامی، مقاومت در برابر سلطه‌گری، مبارزه با بی‌عدالتی و دین‌ستیزی است (محمدنیا و علیپور گرجی، ۱۴۰۰) و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی بر مقابله با جهل، بی‌خردی و بی‌توجهی به وضعیت موجود جامعه اسلامی، مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی از راه بازگشت به اندیشه‌های اسلام استوار بوده است. بر همین اساس آراء تربیتی سید جمال‌الدین، بر جایگاه علم و نقش آن در توسعه جامعه تأکید می‌ورزید؛ و آگاهی را عنصری مهم برای رشد مردم و مبارزه با استعمار می‌دانست.

اندیشه‌های تربیتی سید جمال تحت تأثیر اسلام و نوگرایی علمی بود. نوگرایی علمی او را می‌توان حاصل آشنایی با دنیای غرب دانست که در طی سفرهای مختلف خود و گفتگوهای علمی با دانشمندان آنجا کسب کرده بود. او انسان را به هنگام تولد پست‌تر، عاجزتر و نادان‌تر از همه حیوانات می‌دانست؛ چراکه حیوانات از همان ابتدای تولد همه منافع و مضرات خود را می‌دانند و دشمن خود را می‌شناسد و در آب و غذا خوردن و خوابیدن محتاج به راهنمایی نیستند اما «انسان چون به این عالم پا نهد مانند لوحی ساده و کتابی است نانوشته و زمینی است بائر که توان تشخیص زهرا از تریاق را ندارد و توان ادراک مصالح و مفاسد را ندارد» به این ترتیب سید جمال پس از ترسیم این تصویر از کودک به نقش پدر و مادر و سایر اطرافیان در تربیت تأکید می‌کند (بوچانی و فرهادی، ۱۳۹۴). به عقیده ایشان از ویژگی‌های مهم انسان، آگاهی، آزادی و استعداد تحول است و مایه‌های اصیل آن در این جوامع وجود دارد و برداشتن گام‌های استوار در شناسایی این مواد از وظایف بزرگ اندیشمندان جامعه‌ها به شمار می‌آید. از نظر سید جمال در این فرایند تعلیم و تربیت و آموزش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه انسان ناآگاه نمی‌تواند منشأ اثر شود و در عصر کنونی با گسترش رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی، ابعاد مختلف زندگی فردی، اجتماعی و فرهنگی و به‌طور کلی تمدن و فرهنگ بشر را با چالش‌هایی مواجه کرده، باید آگاهی بخشی نخستین گام اصلاح فرد و جامعه باشد (سهیلی مقدم، ۱۴۰۰) که در نظریه‌های تعلیم و تربیت در عصر حاضر نیز عنصر آگاهی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در عصر حاضر نیز، عموم افراد، به‌ظاهر آگاه، انتخاب‌گر و آزاد تلقی می‌شوند؛ در حالی که این رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اطلاعاتی جهانی هستند که در راستای منافع اداره‌کنندگان خود، مدیریت انتخاب‌های ایشان را بر عهده دارند. در نقطه مقابل انسان‌های دگرگردان، افراد مستقل، آزاد، قرار دارند که ضمن تحلیل اطلاعات دریافتی و وقایع پیرامون، با تأمل انتخاب‌گر و خودگردان عقلانی و بازننگری مدام، آزادانه و آگاهانه انتخاب می‌کنند؛ رویکردی که در مکتب تربیت اسلام و سیره امام حسین (ع) و یارانشان به‌خوبی مشهود است (بدیعیان گورتی، نجفی و حیدری، ۱۳۹۹) و نظام تعلیم و تربیت باید با تلاش و همت مضاعف به دنبال تقویت این مفاهیم در یادگیرندگان باشد.

سید به‌شدت ضد ظلم و ضد استبداد و استعمار بود و مزمن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و عدم اجرای عدالت و همچنین استعمار خارجی می‌دانست. او معتقد بود آنچه مانع تحقق عدالت در جامعه می‌شود، استبداد و استعمار است و لذا تمام نیروی خود را صرف

مبارزه با این دو عامل کرد. وی مطرح کننده، به وجود آورنده و آغازگر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است. اعتقاد به توانایی ذاتی اسلام برای رهبری مسلمانان، مبارزه با روحیه وادادگی در برابر حوادث تحمیلی استعماری بر جهان اسلام، بازگشت به منابع اصیل تفکر اسلامی، تفسیر عقلی تعالیم اسلامی، فراگرفتن علوم از سوی مسلمانان و مبارزه با استعمار و استبداد به عنوان نخستین گام در راه خیزش اجتماعی و فکری مسلمانان از جمله دستاوردهای سید جمال برای جریان بیداری اسلامی بود (مرادپور دهنوی، ۱۳۹۹). وی معتقد بود ریشه تمام مفاسد و مظالم این است که دست ظلم در بین است و تنها راه حل را اجرای عدالت و مساوات در تمام طبقات ملت می‌دانست. بر همین اساس سید جمال الدین اسدآبادی در آراء تربیتی خود معتقد است که بهترین نوع تعلیم و تربیت، پرورش افراد و استعدادها با محوریت منابع ملت است و باید از ترویج منافع فردی و منابع بیگانگان در مباحث تربیتی به شدت پرهیز کرد. چراکه این امر موجب تقویت استبداد و استعمار خواهد شد.

در نتیجه می‌توان گفت که سید جمال الدین اسدآبادی به عنوان یکی از متفکران مشرق زمین همانند سایر اندیشمندان تأکیدات و دیدگاه‌هایی درباره فرهنگ، اجتماع و تعلیم و تربیت دارد که تبیین و واکاوی اندیشه‌های ایشان به خصوص در بعد تعلیم و تربیت می‌تواند به عنوان مبنا و عاملی مهم در تدوین و طراحی نظام آموزشی و بهبود کیفیت تربیتی یادگیرندگان مورد استفاده قرار گیرد. نظام آموزشی پیشرو باید برنامه درسی خود را بر اساس مبانی بومی دینی فرهنگی و اجتماعی خود بنا کنند و در این راستا منابع ارزشمندی همچون قرآن کریم، احادیث، سنت، دیدگاه‌های ائمه اطهار و تأکیدات اندیشمندان و متفکران اسلام برای طراحی نظام آموزشی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. بر اساس اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی نظام تربیتی باید به دنبال تربیت انسان‌های آگاه، بیدار، متفکر، عقل نگر باشد که در مقابل ظلم ستم و استعمار ایستادگی می‌کنند، باشد. خروجی این تفکر دانش‌آموختگانی است که در مقابل ظلم ستم ایستادگی می‌کنند و نقش آگاهی‌بخش خود را ارائه کند. در این دیدگاه معلم به عنوان عنصر آگاه و آگاهی‌بخش رسالت و وظیفه سنگین آگاهی‌بخشی را به عهده دارد که با دیدگاه‌های متخصصان برنامه درسی همچون فریر، اپل ۱، ویلیس ۲ و جیرو ۳ مطابقت دارد. در این دیدگاه معلمان ضمن

-
- 1 Apple
 - 2 Willis
 - 3 Giroux

اینکه خود آگاه و بادانش هستند، دانش آموزان خود را نیز به این سمت هدایت می‌کنند. همچنین باید توجه داشت که بر اساس دیدگاه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی در کنار مبارزه با ظلم و ستم و آگاهی باید از طریق نظام تربیتی، علوم و فنون جدید و دانش نوین در تعلیم و تربیت مدنظر قرار گیرد تا از این به طریق بازسازی هویت اسلامی پرداخته شود، چراکه وی ضعف اصلی مسلمانان را در فراموشی هویت اسلامی خود می‌داند. به‌طور اجمالی می‌توان گفت که تلاش سید جمال در جهت مبارزه با استعمار و استبداد بود و استبداد موجود در کشورهای اسلامی را حاصل انحرافات اخلاقی می‌دانست و در این زمینه معتقد است که تعلیم و تربیت باید از منظر اخلاقی دانش آموزان را به سمت صحیح خود هدایت کند. درنهایت آنچه برای سید جمال حائز اهمیت است جایگاه رفیع علم و عالم است که می‌تواند در تحول، پیشرفت و رشد جامعه نقش اساسی ایفا کند. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی دوره‌های تحصیلی مختلف، مفاهیم و مؤلفه‌هایی همچون آگاهی، بیدارسازی و بیدارگری و همچنین مبارزه با ظلم به‌عنوان اهداف اصلی تعلیم و تربیت موردتوجه قرار گیرد و در محتوی کتاب‌های درسی این مفاهیم در قالب قصه، داستان به دانش آموزان ارائه شود؛ چراکه این اهداف و آموزه‌های سید جمال با اهداف سند تحول بنیادین و همچنین آموزه‌های اسلام و قرآن و انقلاب هم‌خوانی دارد و می‌تواند به‌عنوان در جهت‌دهی فکری و عملیاتی متخصصان برای تدوین برنامه درسی به‌عنوان یک راهنمای عملیاتی مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. اسدآبادی، سید جمال‌الدین (۱۳۵۸). مقالات جمالیه. به کوشش لطف‌اله اسدآبادی، تهران: انتشارات ایرانشهر.
۳. اسماعیل نیا، محمود (۱۳۷۶). اصلاح جامعه در اندیشه سید جمال. قیسات، ۲ (۵): ۱۸۳-۲۰۱.
۴. اصدق پور، محمد (۱۳۹۶). آراء تفسیری سید جمال‌الدین اسدآبادی و ابعاد اجتماعی آن. نشریه دین و دنیای معاصر، ۳ (۲)، ۱۹-۳۶.
۵. اعمالی، مهدی و جعفری، روح‌الله (۱۴۰۰). بررسی و تبیین شاخص‌های انسان فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. مدیریت فرهنگی، ۱۵ (۵۱): ۲۱-۴۳.

۶. آرین نیا، الهام (۱۳۹۸). بررسی اهمیت زبان مادری در تعلیم و تربیت دانش آموزان، دومین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
۷. بدیعان گورتی، راضیه؛ نجفی، محمد و حیدری، محمدحسین (۱۳۹۹). عاشورا تبلور دیدگاه‌های نوین تربیتی: سیره تربیتی امام حسین (ع) بستر ساز خودگردانی متعالی. فصلنامه علمی تربیت اسلامی. ۱۵ (۳۱): ۳۱-۴۶.
۸. یوجانی، ابراهیم و فرهادی، طاهر (۱۳۹۴). تأملی در اندیشه‌های تربیتی سید جمال‌الدین اسدآبادی، فصلنامه تاریخ پژوهی، ۱۷ (۶۴)، ۲۰۹-۱۹۳.
۹. بهرامی پور، عباس؛ فرمینی فراهانی، محسن و سبحانی نژاد، مهدی (۱۳۹۹). نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری مد ظله العالی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴ (۳): ۲۵۸-۲۸۰.
۱۰. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام (۱۳۸۶). پیامبر و اجتهاد. مجله فقه. ۱۴ (۵۴): ۳-۳۵.
۱۱. توانا، محمدعلی (۱۳۸۵). اسلام و مدرنیته در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی. پژوهش علوم سیاسی، ۳: ۱۱۳-۹۷.
۱۲. حدیث ولایت، نرم افزار مجموعه بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۶۶-۱۳۸۸). ویرایش دوم. تهران، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله سید علی خامنه‌ای)
۱۳. حسین خانی هادی (۱۴۰۱). روش تربیتی تغییر موقعیت در منابع اسلامی. فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ۱۷ (۳۹): ۷-۲۵.
۱۴. حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۹). غایت تربیت از دیدگاه اسلامی. فصلنامه علمی تربیت اسلامی. ۱۵ (۳۱): ۶۷-۸۶.
۱۵. داج، بایارد (۱۳۶۷). دانشگاه الازهر تاریخ هزارساله تعلیمات عالی اسلامی. ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۶. رضایی، محمدجعفر؛ نوروزی، رضا علی و سپاهی، مجتبی (۱۳۹۷). کارکردهای تربیت عقلانی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۲۶ (۳۸): ۲۹-۵۳.
۱۷. سهیلی مقدم، سید مهدی (۱۴۰۰). واکاوی تأثیر عصر اطلاعات بر احیای تمدن اسلامی. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰ (۳): ۱۰۱-۱۲۷.

۱۸. شریف، میان محمد (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه در اسلام. ترجمه نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. صاحبی، محمدجواد. (۱۳۹۷). مکتب اخلاقی و تربیتی سید جمال. برگرفته از سایت <http://www.buali.ir/fa/article/328>.
۲۰. صدرا، محمد (۱۴۰۰). سیدجمال، سلفی گرایی و نواندیشی غربگرایانه: نگاهی آسیب‌شناسانه. فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، ۲۴(۹۳): ۱۱۳-۱۲۸.
۲۱. عرفان منش، ایمان و جمشیدی‌ها، غلام‌رضا (۱۳۹۴). واکاوی حدود و شاخصه‌های رئالیسم علمی در معرفت اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی، نشریه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۳(۲): ۳۰۱-۳۲۲.
۲۲. علی صوفی، علی‌رضا و زارعی مهرورز، عباس. (۱۳۹۱). اندیشه و عمل سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی در چالش با حکومت ناصری. فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، ۴(۱۴): ۱۱۱-۱۳۴.
۲۳. عوض زاده، ابوطالب؛ کریمی باغملک، آیت اله و رضایی، صادق (۱۴۰۱). شناسایی آسیب‌های تربیت دینی به منظور ارائه الگوی دین‌پذیری مشتاقانه در دانش‌آموزان سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶(۱): ۴۴-۵۵.
۲۴. غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۶۴). تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه دکتر نورالله کسائی، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷). سرآغاز نو اندیشه معاصر دینی و غیردینی. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار. چاپ سوم.
۲۶. فرخان، امین و ملکوتیان، مصطفی (۱۴۰۰). سید جمال‌الدین اسدآبادی و ایدئولوژی اسلامی؛ کنش‌ها و معیارها. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۸(۶۴): ۱۶۲-۱۴۱.
۲۷. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۳). سید جمال‌الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۸. قاسمی پویا، اقبال، (۱۳۸۳). تربیت از نظر سید- جمال-الدین -اسدآبادی. برگرفته از سایت: <https://rasekhon.net/article/show/665025>

۲۹. کاویانی، صدیقه و نوروزی، رضاعلی (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی تربیت دینی در حیطه فردی از منظر نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. ۲۷(۴۲): ۵-۲۶.
۳۰. لاهوری، اقبال، (۱۳۹۰). احیای فکر دینی در اسلام. ترجمه احمد آرام، تهران: کانون نشر پژوهش‌های اسلامی.
۳۱. لطیفی، علی؛ پارسانیا، حمید؛ داودی، محمد (۱۳۹۲). روش‌شناسی دانش تربیت اسلامی بر اساس رویکرد استنباطی تأسیسی دکتر خسرو باقری. روش‌شناسی علوم انسانی. ۱۹ (۷۷): ۳۸-۷.
۳۲. محلاتی غروی، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۶). گفتار خوش یار قلی. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۳۳. محمدنیا، مهدی و علیپور گرجی، محمود (۱۴۰۰). خیزش مجدد گفتمان راست افراطی در اروپا و تقابل با مسلمانان در عصر بیداری اسلامی. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰(۴)، ۱۶۷-۱۴۱.
۳۴. محمدی، مریم؛ کریمی خویگانی، روح‌الله و محمودی، مهدی (۱۴۰۰). معناشناسی تربیت اسلامی مبتنی بر متن مقاتل در واقعه عاشورا. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۹(۵۰): ۸۳-۱۰۸.
۳۵. محمدی، مژگان؛ فقیهی، علیرضا؛ رضایی، محمد هاشم و یعقوبی، علی سرور (۱۴۰۰). تحلیل و مقایسه سبک معرفت‌شناسی دینی تعلیم و تربیت از نگاه مولوی و نظریه‌پردازان انتقادی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۵(۴): ۲۴۳-۲۵۱.
۳۶. مددپور، محمد (۱۳۸۶). سیر تفکر معاصر (کتاب دوم). تهران: شرکت انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی)
۳۷. مرادپوردهنوی، امیرحسین (۱۳۹۹). درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۹(۲): ۸۵-۱۱۱.
۳۸. مرادی مخلص، حسین (۱۳۹۹). آراء تربیتی بیدارگران اسلامی با تأکید بر سید جمال‌الدین اسدآبادی. اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در تاریخ، فرهنگ و بیداری اسلامی، همدان.
۳۹. مهدوی، عزت‌اله (۱۳۹۲). نگاهی به اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی درباره تعلیم و تربیت. دو ماهنامه‌ی چشم-انداز ایران، شماره‌ی ۷۸، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۲.

۴۰. میرزا محمدی، محمدحسن و فرمهنی فراهانی، محسن (۱۳۹۹). تبیین ایده دانشگاه ایرانی - اسلامی در اسناد تحولی آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۵ (۴): ۵۶-۳۳.

۴۱. نوازی، بهرام (۱۳۸۸). آرا و اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی (مجموعه مقالات همایش یک‌صد و پنجاهمین سالگرد)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۴۲. نهرو، لعل جواهر (۱۳۶۱). نگاهی به تاریخ جهان. ترجمه محمود تفضلی ج ۱۱۳۲/۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۳. واثقی، صدر (۱۳۴۸). سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی. تهران، شرکت سهامی انتشار.

۴۴. یوسف زاده چوسری، محمدرضا (۱۳۹۶). برنامه درسی به عنوان یک گفتمان سیاسی. دانشنامه ایرانی برنامه درسی.

۴۵. یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۶). هفت مقاله در معرفی سید جمال‌الدین اسدآبادی. تهران: چاپ خشن.

۴۶. یوسفی، هدایت (۱۳۸۵). ریشه‌های انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله. قم، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما قم.

47. Arsyi, S (2020). Slogan Back to the al-Quran and Sunnah: Studi atas Gerakan Politik Islam Jamaluddin al-Afghani. Politica: Jurnal Hukum Tata Negara dan Politik Islam, 7(2), 134-152.

48. Aziz, A. Z., & Kartowagiran, B (2022, January). SWOT Analysis of Integrated Islamic Curriculum During the Covid-19 Pandemic. In 5th International Conference on Current Issues in Education (ICCIE 2021) (pp. 270-274). Atlantis Press.

49. Noor, M. T (2019). An attitude to the intellectual and political thought of Seyed Jamaluddin Afghan. International Journal of Innovative Research and Scientific Studies, 2(3), 39-44.

50. Shahjahan, R. A., Estera, A. L., Surla, K. L., & Edwards, K. T (2021). "Decolonizing" Curriculum and Pedagogy: A Comparative Review Across Disciplines and Global Higher Education Contexts. Review of Educational Research, 00346543211042423.